

جهانی شدن و پیامدهای آن بر اقتصاد ایران

علی اسدی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

دانشجوی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

پدیده «جهانی شدن» اگرچه در محافل علمی قدمت چندانی ندارد اما در دو دهه اخیر به یکی از بحث‌های مهم در سطح جهان تبدیل شده است. موافقان و مخالفان وقوع این پدیده را اجتناب ناپذیر می‌دانند. کشورهای جهان سوم و در حال توسعه که نقش کمتری در مناسبات جهانی و شکل‌گیری و هدایت فرایندهای این پدیده دارند بیش از سایر ملل تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. جمهوری اسلامی ایران نیز در این رهگذر در معرض امواج این پدیده خواهد بود. موضوع این مقاله نگاه به تبعات اقتصادی این پدیده برای ایران است. در مقدمه این مقاله سعی شده است که با معرفی اجمالی مفهوم جهانی شدن دیدگاه‌های علمی در این زمینه معرفی شوند. در قسمت دیگر، سازمان تجارت جهانی و شکل‌گیری آن بررسی شده است. این سازمان اکنون به عنوان یک نهاد بین‌المللی مقتدری است که روابط تجاری بین کشورهای عضو را تنظیم می‌کند و بر نحوه اجرای آن نظارت دارد. آشنایی با این سازمان وقتی اهمیت بیشتر یافته است که با عضویت ایران در این سازمان توافق کلی شده است. ویژگی‌های مهمی از اقتصاد ایران که زمینه‌ساز تأثیر و تأثر بیشتر پدیده جهانی شدن است در قسمت سوم این مقاله بررسی شده است. برخی آثار مهم جهانی شدن در مورد منافع و زیان‌های آن بر اقتصاد ایران موضوع قسمت چهارم مقاله است. و بالاخره خلاصه و نتیجه‌گیری و ارائه چند پیشنهاد بخش پایانی مقاله را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، جهانی سازی، بازارهای جهانی، سازمان تجارت جهانی، بازارها، اقتصاد دولتی، صادرات و واردات، سیاست‌های تجاری، سرمایه‌گذاری خارجی، اشتغال.

۱- مقدمه و مفهوم جهانی شدن

برداشت صاحب‌نظران شاخه‌های مختلف از علوم از مفهوم جهانی شدن متفاوت است و به همین دلیل تعریف واحدی از این مفهوم ارائه نمی‌شود. برای اقتصاد، جهانی شدن یعنی ادغام کامل بازارهای جهان و استفاده از بازارهای کار و سرمایه در اقصی نقاط جهان است (توسلی نائینی، ۱۳۸۲: ۱۴۴). در این مفهوم فعال‌تر شدن شرکت‌های چند ملیتی، جستجوی بازارهای جدید و بهره‌گیری از کارگاه‌های تولیدی و کارگران ارزان و نیز استفاده بهینه از مزیت‌های نسبی، ملاک‌های اصلی به شمار می‌روند. در این شرایط مسائل اقتصادی به گونه‌ای روز افزون سراسری و جهانی می‌شوند. مرزهای ملی و جغرافیایی تا حدود زیادی اعتبار خود را از دست می‌دهند. نهادهای اقتصادی و حتی غیر اقتصادی ملی دیگر قلمروی برای فعالیت‌های خود نمی‌توانند تعریف کنند. بنگاه‌های تجاری، صنعتی، کشاورزی و خدماتی در گستره بازارهای جهانی باید به رقابت پردازند. امروز بر اثر این رقابت‌ها و نیز تغییرات عظیم فناورانه از سوی دیگر، قیمت واقعی محصولات در بازارها به جای افزایش مدام در حال کاهش است. ساختار هزینه‌های ثابت و هزینه سرمایه‌گذاری‌های اولیه تولید افزایش چشمگیر پیدا کرده ولی هزینه‌های متغیر یا هزینه نهایی تولید محصولات بسیار ناچیز و نزدیک به صفر است (سیف، ۱۳۸۲: ۸). بی‌تردید آنچه بیش از همه زمینه‌ساز فرایند جهانی شدن و پیامدهای آن شده تحولات جهش وار در فناوریهای ارتباطی، اطلاعاتی و رایانه‌ای و بویژه پیشرفت فناوری در زمینه ارتباطات الکترونیک بوده است. شبکه‌های رایانه‌ای، اینترنت، رسانه‌های ارتباط جمعی الکترونیکی، تلکس، ماهواره و آسان شدن مکالمات و تماس‌های دوردست، فضای تازه‌ای آفریده است. مرزهای سیاسی، دیگر در برابر عبور امواج الکترونیک که از پس آن اندیشه‌ها، ارزش‌های فرهنگی، شیوه‌های

زندگی، سرمایه‌ها، کالاها و خدمات انتقال می‌یابد، مانع جدی تلقی نمی‌شوند. گویی جهان به صورت جامعه واحدی درآمده و کوچک‌ترین تغییر در هر جزء از پیکره آن به سرعت تمامی جامعه را متأثر می‌کند. یعنی جهانی شدن گسترش تشابهات، پیوندها و ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان مردم جهان و کم‌رنگ شدن تأثیر قلمروهای سیاسی و قید و بندهای مربوط در آنها است (فصیحی، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

دیدگاه‌های مختلف درباره جهانی شدن (غرب‌آبادی و علی‌آبادی ۱۳۸۲: ۲۴-۲۶)

الف: رئالیست‌ها (واقع‌گرایان) جهانی شدن را تحولی جدی که ساختار نظام بین‌المللی را دگرگون کند نمی‌دانند و با اینکه بر ورود بازیگران غیر از دولت به عرصه بین‌المللی اذعان دارند ولی هنوز دولت‌ها را که به دنبال منافع خود هستند عمده‌ترین بازیگران عرصه بین‌الملل و سیاست را بر جهانی شدن اقتصاد چیره می‌دانند.

ب: لیبرال‌ها معتقدند که جهانی شدن پایان دستاورد گذار بلند مدت سیاست جهانی است، بعضی از آنها پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی را به عنوان پیروزی آزادی و رسیدن تاریخ به واپسین مرحله خود که آزادی نهایی بشریت است جشن گرفتند. این پیروزی برای «فرانسیس فوکویاما» نه تنها پایان دوران جنگ سرد بلکه پایان تاریخ است یعنی نقطه پایانی سیر تکاملی ایدئولوژیک بشر و جهانگیر شدن دموکراسی لیبرال به عنوان شکل نهایی حکومت بشری است.

ج: مارکسیست‌ها جهانی شدن را چهره جدید استعمار می‌دانند. پدیده‌ای که مرزهای ملی را کم‌رنگ کرده و سرمایه‌داری در این میان برنده است. در نگرش

مارکیستی به جهانی شدن بیشتر ملاحظات اقتصادی مدنظر است و محتوای جهانی شدن پوششی لیبرالیستی بر مفاهیمی چون امپریالیسم، استعمار نو و ... است. د: در نظر رفتار گرایان، «نظم و ستفالیایی^۱» روابط بین الملل به هم ریخته و یک نظم فراوستفالیایی جایگزین آن شده است. در این نظم جدید دولت‌ها و جوامع به گونه فزاینده‌ای به هم وابسته شده‌اند. طیفی از بازیگران جدید بین‌المللی از شرکت‌های فراملیتی گرفته تا سازمان‌های غیر دولتی، گروه‌های فشار بین‌المللی و افراد و گروه‌های شهروندی، برای شرکت در مدیریت جهان پدیدار می‌شوند. نظم جهانی بیشتر حالت چند مرکزی یعنی چهره نظامی غیر متمرکز و متکثر به خود می‌گیرد.

جهانی شدن یا جهانی سازی

از مفهوم «Globalization» دو گونه برداشت و استفاده شده است. جهانی شدن و جهانی سازی.

الف: جهانی شدن به عنوان فرایندی طبیعی است که در اثر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیک، موجب فشردگی و تراکم جهان و تقویت خود آگاهی جمعی در میان انسان‌ها می‌شود. بر این اساس جهانی شدن امری برآمده از تاریخ، ریشه‌دار و فراگردی گسترده و همه‌جانبه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که مرزهای ملی را درنوردیده و به عنوان واقعیتی در حال تکوین و تکامل است. از این دیدگاه روند جهانی شدن سیر خود را طی می‌کند و ارزش‌های خود را به همه جوامع عرضه می‌کند و لذا از این منظر جهانی شدن یک پروژه تحمیلی نیست بلکه روندی خود جوش و مطابق با مقتضیات زمانه است ولی جهان غرب از آن رو که ارزش‌هایش اقبال عام در جهان یافته است و نیز به پشتوانه

ابزارهای نیرومندی که هم اکنون در اختیار دارد، بهتر از دیگران می‌تواند از فرصت‌های ایجاد شده بهره‌گیری کند و در خلال این روند نقش راهبردی و اساسی را به خود اختصاص دهد (غریب آبادی و علی آبادی، ۱۳۸۲: ۲۳)

ب: جهانی سازی (جهانی کردن) به عنوان یک پروژه تحمیلی است. جهانی سازی واپسین مرحله امپریالیسم است که با فروپاشی شوروی و به گل نشستن اقتصادهای کینزی غالب شده است. وقتی «Globalization» جهانی شدن معنی می‌شود نقش شرکت‌های چند ملیتی و دولت‌های غربی به خصوص آمریکا و انگلیس در این فرایند پنهان نگه داشته می‌شود (سیف، ۱۳۸۲: ۷). از این منظر جهانی شدن یک طرح مهندسی اجتماعی در سطح کلان سیستمی است که ایدئولوژی غربی را تحمیل می‌کند و با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری در صدد فراگیر کردن شیوه زندگی آمریکایی و غربی کردن انسان‌ها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سرمایه است. پیروان این نگرش جهانی شدن را مقوله‌ای ارادی و در کنترل عده‌ای خاص می‌دانند و به زعم آنان این اراده در حال حاضر در اختیار جهان سرمایه‌داری است (غریب آبادی و علی آبادی، ۱۳۸۲: ۲۳)

به هر حال هر دو برداشت و تعریف به وسیله صاحب‌نظران مسائل جهانی بسیار مطرح شده و هر طیفی سعی بر محقق دانستن خویش در این عرصه نموده است. از طرفی دلایل بسیاری وجود دارد که جهانی شدن امری طبیعی است که در روند تاریخی شکل گرفته است و در بسیاری از مراحل و اسباب و علل آن نیز هیچ ردپایی از توطئه، تحمیل، استعمار و ... دیده نمی‌شود. توسعه ارتباطات، فناوری و توسعه علوم، وجود و ظهور شخصیت‌های بزرگ و دانشمندان و حتی پیامبران بزرگ الهی با ادیان جهانی از اسباب نزدیکی جوامع بشری به هم بوده‌اند. از طرف دیگر نادیده گرفتن نقش صاحبان سرمایه و قدرت در جهان و تأثیر آنها بر روند جهانی شدن هم

امری غیر قابل دفاع است. قدرتمندان عرصه‌های جهانی به راحتی مسیر تحول طبیعی و فرایند جهانی شدن را می‌توانند به نفع خود تغییر دهند. وجه مشترک این دو دیدگاه در این است که طرفداران هر دو نظریه به پیدایش یک جامعه واحد جهانی اذعان دارند و اختلاف صرفاً در شکل به وجود آمدن آن است. برخی از ویژگی‌های این جهان چنین است:

- گسترش ارتباطات و ادغام بازارهای جهانی
- تعامل حاکمیت ملی با نهادها و سازمان‌های قدرتمند بین‌المللی
- آزادی و تحرک عوامل تولید بخصوص سرمایه و فناوری
- گسترش تشابهات، پیوندها و ارتباطات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- رقابت سنگین در سطح جهان برای کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی در تولید و بهره‌وری عوامل

۲- سازمان تجارت جهانی^۱ (WTO)

سازمان تجارت جهانی یک نهاد بین‌المللی است که روابط تجاری بین کشورهای عضو را تنظیم و بر نحوه اجرای آن نظارت دارد. اگر چه جهانی شدن اقتصادی مقوله‌ای با سابقه طولانی است لیکن امروزه این سازمان عنان حرکت جهانی شدن اقتصاد را به دست گرفته است. به طوری که کشورهایی که مایلند در اقتصاد جهانی مشارکت کنند باید توافق این سازمان را کسب کنند و با ایجاد شرایط مورد نظر این سازمان اقتصاد خود را آماده ادغام نمایند. با توجه به اینکه ایران درخواست عضویت را رسماً به سازمان اعلام کرده و این درخواست هنوز پذیرفته نشده است، آشنایی مختصر با این سازمان بی‌مناسبت نخواهد بود.

سیاست‌های حمایتی دولت‌های صنعتی از تولیدات داخلی سبب جلوگیری از دسترسی تولیدکنندگان به بازارهای خارجی گردید که این امر موجبات فقیرتر شدن کشورها را فراهم می‌کرد. از این رو تلاش برای آزادسازی تجاری در سطح بین‌الملل آغاز گشت و سرانجام در اکتبر ۱۹۴۷ با امضای «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت» (GAAT) توسط ۲۳ کشور غربی در ژنو، این اتحادیه اقتصادی بین‌المللی شکل گرفت. جلسات مربوطه به «گات» در سالهای بعد نیز برگزار شد (ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی، ۱۳۷۸: ۴). دور اول مذاکرات در هاوانای کوبا منجر به کاهش ۴۵۰۰۰ تعرفه در کشورها شد. در سال ۱۹۴۸ نمایندگان پنجاه و شش کشور اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی^۱ (ITO) را امضا کردند که هیچ‌گاه به تأیید پارلمان‌های آنان نرسید. خصوصاً مجلسین آمریکا با آن مخالفت کردند. دور دوم و سوم مذاکرات به ترتیب در فرانسه و انگلستان سبب کاهش تعرفه‌ها گردید. دور چهارم مذاکرات بین سال‌های ۹۶-۱۹۹۵ و دور پنجم ۶۲-۱۹۶۰ به ترتیب سبب کاهش بیشتر تعرفه‌ها به میزان ۲/۵ و ۵ میلیارد دلار گردید. دور ششم طی سال‌های ۷-۱۹۶۴ نیز سبب کاهش ۴۰ میلیون دلار در سطح تعرفه‌ها شد. دور هفتم توکیو علاوه بر کاهش تعرفه‌ها به حذف موانع غیرتعرفه‌ای مانند یارانه‌ها نیز ختم شد. دور هشتم گفتگوها به مدت هفت سال از ۹۳-۱۹۸۶ به نام دور اروگوئه معروف است و در حقیقت آخرین دور مذاکرات گات محسوب می‌شود. سال ۱۹۹۴ مراکش شاهد مذاکرات مربوط به سازمان تجارت جهانی بود که در سال ۱۹۹۵ در ژنو متولد شد (ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی، ۱۳۷۸: ۷).

چنان که گفتیم یکی از اهداف مهم «گات» و سازمان تجارت جهانی کاهش یا حذف تعرفه‌های گمرکی از نهادهای تجاری بین‌المللی است. میانگین نرخ تعرفه‌ها در کشورهای در حال توسعه در اواسط دهه ۱۹۸۰ حدود ۳۴ درصد بوده که در اوایل

دهه ۱۹۹۰ به ۲۴ درصد کاهش یافت و این کشورها متعهد شدند که تا سال ۲۰۰۴ این نرخ را به ۱۴ درصد برسانند. متوسط ساده تعرفه گمرکی در ایران حدود ۳۲ درصد است که نسبت به کشورهای در حال توسعه هم رقم بالایی است و شاید یکی از موانع بازرگانی خارجی کشور همین باشد (فصیحی، ۱۳۸۲: ۱۴۸). برخی شرایط برای عضویت در سازمان تجارت جهانی به شرح زیر است. (عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۴۹)

- داشتن سیاست‌های تجاری شفاف، به این معنی که ضوابط و مقررات صادرات و واردات به آسانی و کمترین زمان انتشار و به اندازه کافی در اختیار همگان قرار گیرد.

- تنظیم حمایت‌های دولتی و تعدیل سیاست‌های اقتصادی و حذف سوبسیدهای صادراتی

- الزام کشورها به آزادی عبور محموله‌ها و وسایل حمل و نقل کشورهای عضو از مرزها حتی به مقصد کشور ثالث

- تعدیل و تبدیل محدودیت‌های مقداری به تعرفه‌های گمرکی با حد و مرز مشخص و محدود

- اصلاح تدریجی ساختار اقتصادی کشورهای عضو بر اساس نظام بازار آزاد

از اصول سازمان تجارت جهانی برقراری سیستم تعرفه‌های ترجیحی با هدف اعطای امتیازات تجاری به بعضی از فرآورده‌های کشورهای در حال توسعه است که به منظور ساده‌سازی و رقابت محصولات این کشورها با محصولات تولیدی کشورهای صنعتی با رعایت شرایط زیر صورت می‌گیرد (ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی، ۱۳۷۸: ۵ و ۶).

- کشورهای صنعتی امتیاز متقابل از کشورهای در حال توسعه درخواست نمی‌کنند.

- کشورهای صنعتی در اعطای امتیاز به کشورهای در حال توسعه تبعیض قائل نمی‌شوند.

- تمام کشورهای صنعتی باید به این اصل پایبند باشند.

- اعطای امتیازات موقتی است.

به هر حال از وقتی که سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ اعلام موجودیت کرده تا به حال ۱۴۸ کشور عضو شدند و بعضی از کشورها تقاضای عضویت داده‌اند. در این سازمان هر کشور عضو یک حق رأی دارد و تصمیم‌گیری با اکثریت آرا انجام می‌شود.

۳- ویژگی‌هایی از اقتصاد ایران

هر اقتصادی خواه یا ناخواه از پدیده جهانی شدن اثر می‌پذیرد و در صورت استفاده از قابلیت‌ها و فرصت‌ها همچنین می‌تواند بر روند اقتصادی این پدیده اثر متقابل داشته باشد. سازمان تجارت جهانی به مسیر جهانی شدن اقتصادهای ملی تبدیل شده است. کشورها برای ورود به اقتصاد جهانی باید شرایط این سازمان را بپذیرند و در صورت عدم تمایل و آمادگی برای پیوستن به این جامعه، آثار و تبعات آن را قبول کنند. شناخت ویژگی‌های اقتصاد ایران برای مقابله با پدیده جهانی شدن و تعامل با سازمان تجارت جهانی ضروری است. تا از این طریق با کاهش ضعف‌ها و نواقص و بهره‌برداری از فرصت‌های مناسب بتوانیم از آثار زیان‌بار جهانی شدن اقتصاد بکاهیم و در مقابل از آثار مثبت آن حداکثر بهره‌برداری را بنماییم.

تجارت خارجی

از ویژگی‌های مهم تجارت خارجی ایران حمایت‌گرایی شدید دولت است. دخالت دولت و حمایت از صادرات و وضع انواع عوارض و حقوق گمرکی برای

واردات مخصوصاً پس از انقلاب گسترش یافته است. به طوری که جمع مالیات بر واردات (شامل حقوق گمرکی، سود بازرگانی و ...) از مبلغ ۱۲۴۹/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ به مبلغ ۷۹۴۷/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته و سهم این مالیات نیز از کل درآمد مالیاتی دولت از ۱۷ درصد به ۲۴/۲ درصد افزایش پیدا کرده است. جدول زیر اطلاعات بیشتری در این زمینه نشان می‌دهد (عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۴۹ - ۱۵۱).

جدول ۱- مقایسه مالیات بر واردات با کل درآمدهای مالیاتی دولت (میلیارد ریال)

سال	مالیات بر واردات	کل درآمد مالیاتی دولت	نسبت مالیات بر واردات به کل مالیات
۱۳۷۴	۱۲۴۹/۹	۷۳۵۰/۸	٪۱۷
۱۳۷۵	۲۹۳۴/۴	۱۲۶۰۸/۴	٪۲۳/۳
۱۳۷۶	۴۲۸۹/۲	۱۷۴۰۵/۱	٪۲۴/۶
۱۳۷۷	۴۴۳۱/۹	۱۸۷۷۴/۶	٪۲۳/۶
۱۳۷۸	۵۸۰۵/۱	۲۵۹۶۹/۲	٪۲۲/۳
۱۳۷۹	۷۹۴۷/۷	۳۲۸۴۲/۱	٪۲۴/۲

منبع: اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره‌های ۱۹۷-۱۹۸ صفحه ۱۵۱

افزایش شدید سود بازرگانی و دیگر دریافتی‌های گمرکی و به طور کلی افزایش چشمگیر در مالیات بر واردات که ناشی از سیاست جایگزینی واردات در کشور است برخلاف شرایط عمومی موضوعه در قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی است. به علاوه، این سیاست‌های تجاری اعمال شده در اقتصاد ایران در قالب محدودیت‌های مقداری و ممنوعیت ورود برخی کالاها و افزایش فشارهای مالیاتی بر وارد کنندگان، زمینه را برای ورود کالاها از راه قاچاق و به روش‌های غیرقانونی فراهم کرده است. به طوری که آمار نشان می‌دهد ارزش پرونده‌های تشکیل شده قاچاق در سال ۱۳۸۱ با رشد ۱۴۰/۵ درصدی از رقم ۷۲۴۶۵۶ میلیون ریال در سال ۱۳۸۰ به رقم ۱۷۴۲۸۰۰ میلیون ریال رسیده است (عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). با اعمال

سیاست محدودیت‌های مقداری بر اساس قانون صادرات و واردات کشور، کالاهای صادراتی و وارداتی به سه گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول شامل کالاهای مجاز که صادرات و واردات آنها نیاز به مجوز ندارد. گروه دوم دربرگیرنده کالاهای مشروط است که واردات و صادرات آنها علاوه بر رعایت مقررات گمرکی نیاز به مجوز خاص دارد و بالاخره گروه سوم کالاهایی را شامل می‌شود که صادرات و واردات آنها ممنوع است. در کنار این محدودیت‌های اعمال شده بر واردات به موجب قانون مقررات واردات و صادرات کشور دولت می‌تواند هر ساله وجوهی را به جهت تشویق صادرکنندگان به عنوان یارانه‌های صادراتی در بودجه سنواتی منظور کند و با پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیئت وزیران به صادرکنندگان پردازد (عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۵۱)

ارزش مبادلات تجاری جهان در سال ۲۰۰۰ حدود ۶ هزار میلیارد دلار برآورد شده است که سهم ایران از این مبادلات بسیار ناچیز و حدود ۰/۴۷ درصد است. در حالی که سهم کشور کوچکی مثل کره جنوبی بیش از شش برابر ایران، یعنی ۲/۸۵ درصد را نشان می‌دهد. جدول ۲ سهم ایران از تجارت جهانی در کنار نسبت جمعیت ایران به جمعیت جهان را طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ و نیز جدول ۳ این دو نسبت را در مقایسه با برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهند (بلادی موسوی، ۱۳۸۰ و 2003³ & 2002² & 2000¹ yearbook). برآورد می‌شود که بیش از یک درصد جمعیت جهان در ایران به سر می‌برند در حالی که سهم کشور ما از تجارت جهانی کمتر از نصف این مقدار است. ارقام نشان می‌دهند که طی این دوره سهم جمعیت ایران روندی افزایشی دارد ولی سهم تجارت جهانی پیوسته رو به کاهش

بوده است و این در حالی است که عمده سهم ایران از تجارت خارجی (صادرات) را که تا حدود ۸۰ درصد برآورد می‌شود، نفت تشکیل می‌دهد.

جدول ۲- سهم ایران از تجارت جهانی و مقایسه با سهم جمعیت (درصد)

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
سهم از تجارت جهانی	۰/۵۷	۰/۵۴	۰/۵۴	۰/۴۹	۰/۴۶	۰/۳۷	۰/۴۴	۰/۳۵	۰/۲۵	۰/۳۹	۰/۴۷	۰/۴۱
سهم از جمعیت جهان	۱/۰۳	۱/۰۴	۱/۰۴	۱/۰۴	۱/۰۴	۱/۰۵	۱/۰۶	۱/۰۶	۱/۰۶	۱/۰۶	۱/۰۷	۱/۰۷

منابع: برآورد جمعیت و خانوار استان‌های کشور ۱۳۸۴-۱۳۷۰، کتابخانه مرکز آمار ایران، سال ۱۳۸۰

United nations. Statistical yearbook forty-seventh issue

United nations. Statistical yearbook forty-sixth issue

United nations. Statistical yearbook forty-fifth issue

جدول ۳- سهم برخی کشورها از تجارت جهانی و مقایسه با سهم جمعیت آنها در سال

۲۰۰۰ (درصد)

کشور یا گروه کشورها	کشورهای پیشرفته	کشورهای در حال توسعه	ایران	ترکیه	پاکستان	چین	کره جنوبی	بنگلادش	اندونزی	سنگاپور	عربستان	مالزی
سهم از تجارت جهانی	۶۵	۳۵	۰/۴۷	۰/۴۴	۰/۱۵	۴/۱۲	۲/۸۵	۰/۰۸	۱/۱	۲/۳	۱/۳	۱/۶
سهم از جمعیت جهان	۱۷	۸۳	۱/۰۴	۱/۰۶	۲/۲	۲۱	۰/۸	۲/۲	۳/۴	۰/۰۷	۰/۳	۰/۳۸

منبع: United nations. Statistical yearbook forty-seventh issue

سیاست «جایگزین واردات» که در دهه اول انقلاب اسلامی به منظور رسیدن به «خودکفایی» تبلیغ و اعمال می‌شد، سبب ایجاد موانع غیر تعرفه‌ای زیادی در آن دوره گردید. تولیدکنندگان بدون توجه به مزیت‌های نسبی در تولید کالاها و خدمات و در فضای غیررقابتی عمل می‌کردند. تغییر این سیاست به سیاست «توسعه صادرات» در دهه اخیر، موجب سمت‌گیری برنامه‌ریزان اقتصادی کشور به حذف موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آنها به مقررات تعرفه‌ای معقول شده است. این سیاست می‌تواند با بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی و در فضای رقابتی از هدر رفتن منابع اقتصادی کشور

جلوگیری نماید و در آینده سهم ایران از تجارت جهانی را افزایش دهد. افزایش صادرات غیرنفتی ایران به رقم ۸/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۲ برای اولین بار در تاریخ ایران، گواه این امر است. به هر حال این اقدام یکی از لوازمات اصلی آماده سازی اقتصاد کشور برای پیوند با اقتصاد جهانی است.

سرمایه گذاری خارجی

جذب «سرمایه گذاری مستقیم خارجی»^۱ (FDI)، یکی دیگر از ملاک‌ها و معیارهای مهم در سنجش میزان و قابلیت حضور کشورهای در حال توسعه در جامعه جهانی است. و این معیار را صاحب‌نظران از شاخص‌های اصلی جهانی شدن می‌دانند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک مقوله چند منظوره است که می‌تواند در بالا بردن ظرفیت تولیدی، اشتغال زایی، ارزآوری، فناوری، مهارت‌های مدیریتی و نیز گسترش صادرات صنعتی و پیوستن کشور میزبان به اقتصاد جهانی مؤثر باشد. به این ترتیب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها یک نقل و انتقال بین‌المللی سرمایه نیست بلکه مظهر قابل اندازه‌گیری نفوذ بین‌المللی شرکت‌های فراملیتی است و دربرگیرنده انتقال دانش فنی و دیگر دارایی‌های غیر قابل لمس، مانند مهارت‌های مدیریتی و بازاریابی است و اینها عواملی هستند که رشد بلند مدت اقتصاد کشور میزبان را امکان‌پذیر می‌سازند. این جریان سرمایه تابع متغیرهای کلان کشور میزبان از جمله ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیربنای اقتصادی، وسعت بازار مصرف، وجود نهادهای تولیدی ارزان، امنیت سرمایه و درجه آزادسازی سرمایه خارجی است (کازرونی، ۱۳۸۲: ۹۸-۹۶)

بر اساس اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. این اصل تردیدهای بسیاری در خصوص سرمایه گذاری خارجی در ایران ایجاد کرده و مانع اساسی برای جذب سرمایه گذاری خارجی بود. قانون جدید تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی ابهامات مربوط به این بند را بر طرف ساخت. البته تبصره ۲ قانون جدید، تملک اموال غیر منقول از سوی اتباع خارجی را همچنان ممنوع می سازد (سرافراز، ۱۳۸۲: ۲۰۳-۲۰۲).

مسئله خروج سرمایه از کشور نیز از معضلات مهم اقتصادی کشور است. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور طی گزارشی، کاهش سرمایه گذاری در ایران را ناشی از نبود امنیت اقتصادی، معرفی کرده است. در این گزارش عواملی مانند ناچیز بودن ضریب بازدهی سرمایه در بخشهای گوناگون اقتصادی، گزینش نادرست سرمایه گذاری بر پایه توجیه اقتصادی، ناچیز بودن مصرف داخلی، گسترش نیافتن صدور کالاهای تولیدی کشور به خارج، به درازا کشیده شدن اجرای پروژه های تولیدی، نوسان های نرخ ارز برای سرمایه گذاری هایی که نیازمند ارز است، محدود بودن بازارهای مالی، بی اعتمادی نسبت به بازار بورس و ... بر شمرده است. با توجه به مشکلاتی که سرمایه گذاران ایرانی در کشور دارند شگفت آور نیست که در سال ۱۳۷۹ بیش از ۴ میلیارد دلار سرمایه از کشور به خارج و بویژه به کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس منتقل شده است (سیم بر، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

بر اساس اطلاعات جدول زیر حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان از ۳۳۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ به رقم ۱۰۷۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده است که رشدی بیش از سه برابر را نشان می دهد. چنانچه ملاحظه می شود سهم ایران از سرمایه گذاری مستقیم خارجی بسیار ناچیز و در حد صفر است. در سال ۱۹۹۵ ایران

تنها ۱۷ میلیون دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی را جذب کرده است که برابر ۰/۰۱ درصد (یک ده هزارم) از کل جریان سرمایه گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه است و در مقایسه با کشورهای همسایه مانند پاکستان و ترکیه نیز رقم ناچیزی را نشان می دهد. در این جدول میزان جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در برخی کشورهای منتخب و نیز گروه های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از سال های ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۰ نشان داده شده است. ستون آخر این جدول نیز سهم جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور میزبان را نشان می دهد (کازرونی، ۱۳۸۲: ۱۸۶)

جدول ۴- جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی بر حسب کشور میزبان (میلیون دلار)

کشور میزبان	۱۹۸۹-۱۹۹۴ میانگین سالانه	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۹	۲۰۰۰	سهم جریان ورودی FDI در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور میزبان (درصد)
جهان	۲۰۰۱۴۵	۳۳۱۰۶۸	۴۷۷۹۱۸	۱۰۷۵۰۴۹	۱۳۷۰۷۶۴	۱۱/۱
کشورهای توسعه یافته	۱۳۷۱۲۴	۲۰۳۴۶۲	۲۷۱۳۷۸	۸۲۹۸۱۸	۱۰۰۵۱۷۸	۹/۱۰
کشورهای در حال توسعه	۵۹۵۷۸	۱۱۳۳۳۸	۱۸۷۳۵۲	۲۲۲۰۱۰	۲۴۰۱۶۷	۱۱/۵
مصر	۷۴۱	۵۹۸	۸۹۱	۱۰۵۶	۱۲۳۵	۶/۱
ترکیه	۷۰۸	۸۸۵	۸۰۵	۷۸۳	۹۸۲	۱/۹
ایران	-۲۳	۱۷	۵۳	۳۳	۳۶	۰/۱
مالزی	۳۹۶۴	۵۸۱۶	۶۵۱۳	۳۵۳۲	۵۵۴۲	۱۳/۹
چین	۱۳۹۵۱	۲۵۸۴۹	۴۴۲۳۷	۴۰۳۱۹	۴۰۷۷۲	۱۲/۹
هند	۳۹۴	۲۱۴۴	۳۶۱۳	۲۱۵۴	۳۳۱۵	۲/۹
پاکستان	۳۰۴	۷۱۹	۷۱۳	۵۳۱	۳۰۸	۵/۶
کره جنوبی	۸۶۹	۱۷۷۶	۲۸۴۴	۱۰۵۹	۱۰۱۸۶	۵/۵

منبع: اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۱۹۳-۱۹۴: ۱۸۶

اقتصاد دولتی و یارانه ای

به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳ فعالیت عمده اقتصادی کشور تحت اختیار و مالکیت دولت است. در اقتصاد ایران از صد شرکت

که بزرگ‌ترین حجم عملیاتی را دارند، ۸۵ مورد از آنها حالت انحصار دولتی دارد و برای محصولات آنها هم واردات ممنوع است (ادیب، ۱۳۷۹). بخش‌های دولتی اقتصاد با استفاده از حربه‌های رانت و یارانه‌های دریافتی توانسته‌اند موقعیت برتر نسبت به بخش‌های خصوصی اقتصاد را حفظ و به مرور زمان رقیبان بخش خصوصی را از صحنه خارج نمایند. بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی دولتی معمولاً قیمت‌گذاری محصولات را نیز رأساً یا با حمایت‌های قانونی تعیین می‌کنند. در این سیستم‌های تولیدی اصلاح یارانه‌ها و کاهش حمایت‌های دولتی معمولاً روی قیمت کالاها و خدمات منعکس و نهایتاً به اقشار مختلف مردم و مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود. به عبارت دیگر این بنگاه‌ها برای حفظ سودآوری و توجیه اقتصادی به جای اصلاح ساختار هزینه‌ها که معمولاً در سیستم‌های دولتی بالاست، به سراغ اصلاح درآمد می‌روند که راه بسیار ساده‌ای است و به قول «فریدمن» (ادیب، ۱۳۷۹) اگر دولت حمایت‌ها و دخالت‌های خود را کم کند و یارانه‌ها را به مرور کاهش دهد، تولیدکنندگان ابتدا به اصلاح ساختار درآمدها و افزایش قیمت‌ها روی می‌آورند. ممکن است تا چند سال مشکلی ایجاد نشود، یعنی بخش عظیمی از اقتصاد می‌خواهد هزینه ساختار ناکارآمد و ناسالمش را از مصرف‌کنندگان بگیرد، ولی طبیعی است که این وضعیت برای همیشه نمی‌تواند ادامه یابد و اقتصاد به جایی می‌رسد که می‌ایستد. بنگاه‌ها اگر به دنبال اصلاح ساختار هزینه‌ها نروند ورشکست می‌شوند. بسیاری از خدمات هست که نمی‌شود مدام بر نرخ‌های آن افزود، بهداشت و درمان، آموزش، آب و برق و ...، نیازهای اولیه اجتماع هستند. قطع و تعطیلی آنها ممکن نیست و از طرفی هم مسائل امنیتی به دنبال خواهند داشت و لذا تنها راه باقی مانده برای مؤسسات تولیدی و خدماتی دولتی اصلاح ساختار اداری و بهینه‌سازی ساختار هزینه‌هاست که این امر به کارآمدی سیستم و کارآیی بیشتر عوامل تولید منجر خواهد شد.

دولت ایران در سال ۱۳۷۹، ۷۰۰۰ میلیارد تومان سویسد غیرمستقیم به جامعه داده است (ادیب، ۱۳۷۹). این رقم در سال ۱۳۸۳ به ۱۵۰۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است (خردمند، ۱۳۸۳). این پولی است که دولت از منابع ملی به سیستم‌های دولتی تزریق می‌کند تا کالاها و خدمات ارزان به شهروندان ارائه نماید. بدیهی است که بخش اعظم این منابع صرف بوروکراسی و اداره سازمان‌های عریض و طویل و ناکارآمد در سیستم دولتی است. مدیر کارخانه‌ای دولتی با ۱۴۰۰ نفر پرسنل مدعی است ۱۲۰۰ نفر پرسنل مازاد دارد (ادیب، ۱۳۷۹). این وضعیت تولیدکننده دولتی است. با این شرایط ایران نمی‌تواند به سازمان تجارت جهانی و اقتصاد جهانی پیوند بخورد. بحث بر سر حمایت دولت یا عدم حمایت دولت نیست، بلکه موضوع اصلی نحوه حمایت دولتی است. اگر دولت نصف همین مبلغ یارانه‌ها را بجای هزینه کردن در سیستم‌های پر پیچ و خم دولتی مستقیماً به مردم ارائه نماید، با فرض ۷۵ میلیون نفر جمعیت در ایران به هر نفر سالانه یکصد هزار تومان یارانه مستقیم تعلق می‌گیرد. یعنی یک خانواده پنج نفره می‌تواند ۵۰۰ هزار تومان یارانه مستقیم دریافت کند. و اگر دولت تمامی این مبالغ را مستقیماً توزیع نماید، یک خانواده پنج نفره با مبلغ یک میلیون تومان یارانه دریافتی می‌تواند ما به التفاوت ارزش نیازهای خود را در بازار پرداخت نماید. مخصوصاً با دستیابی به آمار و اطلاعات مناسب از اقشار کم‌درآمد و هدفمند کردن یارانه‌ها، دریافتی خانواده‌های کم‌درآمد تا دو برابر هم افزایش خواهد یافت. درآمد و هزینه‌های تولید نیز شفاف می‌شوند. از طرف دیگر رقابت سبب کاهش قیمت محصولات تولیدی هم می‌شود قیمت‌های واقعی برای محصولات یارانه‌ای مثل نان، دارو، بنزین و ... سبب جلوگیری از مصرف بی‌رویه آنها می‌شود که از این طریق نیز سودی نصیب جامعه می‌شود و رفاه جامعه افزایش می‌یابد. گفته می‌شود که از این مبلغ یارانه‌های پرداختی بیشتر طبقات با درآمدهای بالای جامعه

بهره‌مند می‌شوند. بنابراین در حال حاضر یارانه پرداخت می‌کنیم، عدالت هم ایجاد نمی‌کنیم. دهک در آمدی بالای افراد جامعه از این یارانه‌ها به میزان ۲۰ درصد و دهک پایین تنها از ۳/۵ درصد آن بهره‌مند می‌شوند (خردمند، ۱۳۸۳). شناسایی طبقات فقیر و آمار و اطلاعات در این زمینه‌ها از بزرگ‌ترین مشکلات هدفمند کردن یارانه‌ها است.

جمعیت و اشتغال

جمعیت ایران طی ۲۵ سال گذشته از ۳۶ میلیون نفر به رقم برآوردی ۷۲ میلیون افزایش یافته است و این نشان از رشدی با نرخ ۲۸ در هزار (حدود ۰.۳٪) در سال است. قریب به ۱۵ درصد جمعیت آماده به کار این ملت یعنی حدود ۳/۵ میلیون نفر به طور آشکارا بیکار و فاقد شغل مناسب هستند. بیکاری پنهان موجود در جامعه نیز به همین میزان برآورد می‌شود. این موضوع علاوه بر اینکه حاکی از فقر حداقل ۳۰ درصد از جامعه ایرانی است و تهدیدی برای سلامت اجتماعی محسوب می‌شود، یکی از متغیرهای منفی برای پیدا کردن شرایط عضویت در جامعه جهانی است. در دهه ۱۳۵۰ سالانه حدود یک میلیون تولد در ایران ثبت می‌شد (با کسر میزان مرگ و میر) ولی از سال ۱۳۵۸ تا ده سال بعد این رقم سالانه به دو میلیون تولد افزایش یافت. اگر چه این روند در حال حاضر کنترل شده است ولی حداقل در سطح یک میلیون مورد در سال حفظ شده است. از طرف دیگر با توجه به اینکه جمعیت جوان نسل انقلاب (دو میلیون در سال) امروز در حال باروری و در آستانه تشکیل خانواده‌اند، باید منتظر بازگشت نرخ رشد بالای مجدد برای افزایش جمعیت در حدود ۱/۵ میلیون در سال باشیم. یعنی اینکه در طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۷/۵ میلیون نفر و با خوشبینانه‌ترین وضعیت حداقل ۵ میلیون نفر جویای

کار خواهیم داشت که به سه میلیون نفر بیکار قبلی اضافه می‌شوند. این در حالی است که در بهترین شرایط در سال‌های گذشته حدود چهارصد هزار شغل جدید به طور سالیانه ایجاد شده است یعنی در طی ۵ سال برنامه چهارم، اگر سالانه ۵۰۰ هزار شغل ایجاد شود در پایان برنامه ۲/۵ میلیون بیکار جدید به لشکر بیکاران اضافه خواهد شد. اقتصاد ایران از ۲۵ سال پیش تاکنون درآمد ارزی در حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال داشته است (صرف نظر از نوسانات موردی) ولی با وجود این درآمد ثابت، اولاً جمعیت کشور بیش از دو برابر شده است، ثانیاً تورم جهانی ۲ درصد در سال، ارزش واقعی درآمدهای ارزی را لااقل ۵۰ درصد کاهش داده است و ثالثاً افزایش جمعیت و گسترش نیازها، بسیاری از هزینه‌های ارزی را اجتناب ناپذیر و غیر قابل انعطاف کرده است.

۴- آثار جهانی شدن بر اقتصاد ایران

جهانی شدن از دیدگاه‌های مختلف منافی برای تمامی کشورها و خصوصاً کشورهای در حال توسعه دارد و نیز زیان‌هایی برای آنها به بار خواهد آورد. آثار مثبت و منفی این پدیده برای اقتصاد و جامعه ایران نیز در قالب منافع و زیان‌های آن قابل بحث است.

منافع

آزادسازی تجاری رقابت‌های جهانی را در تولید بیشتر و بهبود کیفیت محصولات افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر هر کشوری که بخواهد در صحنه رقابت‌های بین‌المللی وارد شود مجبور است با اصلاح ساختارهای تولیدی، منابع را به صورت بهینه و کارا تخصیص دهد و از راه کشف مزیت‌های نسبی، افزایش فعالیت‌های

پژوهشی برای ابداع و نوآوری، کاهش بوروکراسی و تشریفات در مسیر تولید برای بقای خویش در این رقابت شدید تلاش نماید. با وجود اینکه اقتصاد ایران عمدتاً دولتی و تحت حمایت‌های دولت است و توان رقابت با اقتصاد جهانی را ندارد ولی بسیاری از زمینه‌ها وجود دارد که اقتصاد ایران دارای مزیت‌های نسبی و حتی مزیت‌های مطلق است که با سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها نه تنها به رونق اقتصادی کمک می‌شود بلکه آسیب‌پذیری آزادسازی اقتصاد در تعامل با اقتصاد جهانی را به حداقل می‌رساند. ایران در نفت مزیت نسبی دارد و با تبدیل این فرآورده به محصولات و مشتقات نفتی ارزش افزوده به مراتب بیشتری کسب می‌کند. در کشاورزی در بسیاری از زمینه‌ها اقتصاد ایران دارای مزیت نسبی است. فرش ایران شهرت جهانی دارد و می‌تواند احیا شود.

سرمایه‌گذاری خارجی و ورود فناوری خارجی فرصتی است که ایران می‌تواند با حفظ شرایط لازم، زمینه‌های قانونی آن را فراهم نموده و از آن استفاده نماید. از طرف دیگر نیز می‌تواند از خروج سرمایه و نیروهای متخصص از کشور جلوگیری نماید. سرمایه‌های فیزیکی و مالی و سرمایه انسانی عوامل اصلی در تولیدند که جذب، حفظ و به کارگیری آنها می‌تواند توسعه اقتصادی را تسریع کند.

آزادسازی اقتصادی و ورود کالاهای متنوع و ارزان سبب افزایش سطح انتخاب و در نتیجه رفاه مصرف‌کنندگان خواهد بود. مصرف‌کننده با این فرصت می‌تواند کالاهایی با کیفیت، بادوام و مناسب را انتخاب کند. واقعیت این است که جامعه ایران با داشتن اقتصاد بسته و در اختیار دولت تا به امروز نتوانسته است سهم واقعی خود را در اقتصاد جهانی به دست آورد. در اقتصاد آزاد که افراد و سایر منابع تولیدی به صورت خصوصی و انفرادی در تعامل قرار می‌گیرند می‌توانند نقش واقعی خود را ایفا نموده و سهم خود را به دست آورند. اقتصاد دانانی چون «جفری ساچز» و

«اندروونر» سال‌ها پیش نشان داده‌اند که کشورهای در حال توسعه که از اقتصاد باز برخوردارند و به طور کامل در ارتباط با نظام بازار جهانی اند سریع‌تر از همه رشد داشته‌اند و کشورهای بسیار فقیر از آن رو فقیر مانده‌اند که در برابر جهانی شدن ایستادگی کرده‌اند و جهانی نشده‌اند. کشورهای جنوب شرقی آسیا و برخی کشورهای آفریقایی نمونه‌هایی از این دو گروه کشورها هستند (جاویدی، ۱۳۸۲: ۱۳۷)

زیانها

کم‌رنگ شدن حاکمیت ملی کشورهای در حال توسعه از آثار منفی جهانی شدن است. با توجه به اینکه گفتیم اقتصاد ایران به شدت دولتی و حمایتی است، با پیوستن به جامعه جهانی ابزارهای سیاست داخلی یقیناً با مشکلاتی روبرو می‌شوند و دولت نمی‌تواند به پرداخت یارانه‌ها ادامه دهد. تولید و عرضه کالاها و خدمات عمومی و همگانی که بخش خصوصی در ارائه آنها انگیزه کمتری دارد، کاهش می‌یابد. آزادسازی اقتصادی و رها کردن بنگاههای تولیدی غیر رقابتی در بازارهای جهانی سبب ورشکستگی و توقف تولید در اکثر آنها خواهد شد. بیکاری حداقل در کوتاه مدت به عنوان معضل اصلی، و فقر ناشی از آن مزید بر بحران خواهد بود. ۲۰۰ هزار قلم کالا در کشور کد وارداتی گرفته‌اند ولی فعلاً ۱۰ هزار قلم آنها مجوز ورود دارند. با آزادسازی اقتصادی ۱۹۰ هزار قلم دیگر از کالاهای مورد تقاضای جامعه وارد خواهد شد (ادیب، ۱۳۷۹). که علاوه بر تحدید تولیدات داخلی، سبب خروج مبالغ هنگفت ارز از کشور می‌شود.

اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی جهان در روند جهانی شدن، این حرکت را به سوی منافع آنها جهت خواهد داد. به همین خاطر است که بسیاری از

مخالفان به جای جهانی شدن واژه «جهانی سازی» را به کار می‌برند. ورود کالا و سرمایه و فناوری به کشورها، همراه افراد و متخصصین، فرهنگ خویش را نیز خواهد آورد. و لذا تهدیدات فرهنگی و اجتماعی از مهم‌ترین آثار منفی جهانی شدن تلقی می‌شود. گفته می‌شود که در جامعه بی مرز جهانی فرهنگ‌های کوچک حذف می‌شوند. آداب و رسوم و عادات مصرفی و فرهنگ و قوانین اجتماعی و مدنی جوامع تحت الشعاع قرار می‌گیرند.

۵- خلاصه و نتیجه‌گیری

گفتیم که جهانی شدن تعریف واحدی ندارد و از دیدگاه‌های مختلف تعاریف و برداشت‌های گوناگونی از آن شده است. برخی آن را امری طبیعی می‌دانند که در گذر زمان سیر تکاملی خود را طی نموده و این روند همچنان ادامه دارد. گروهی دیگر آن را امری ارادی و بر اساس خواست قدرتمندان اقتصادی و سیاسی جهان به حساب می‌آورند. طرحی که برای حاکمیت بر سرنوشت بشر و سلطه بر منابع جهان از سوی ابرقدرت‌ها به اجرا در آمده است. به هر حال نقطه مشترک در این دیدگاه‌ها آن است که جهانی شدن مجموعه تحولاتی است که کم و بیش همه ابعاد زندگی اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی انسان معاصر را دربر خواهد گرفت. (اکبریان، ۱۳۸۲: ۸۶)

سازمان تجارت جهانی را به عنوان دروازه‌ای برای ورود به عرصه اقتصاد جهانی معرفی کردیم و با ذکر مختصری از روند شکل‌گیری آن از GATT تا WTO به برخی اصول این سازمان اشاره کردیم و شرایط عضویت کشورها در این سازمان‌ها را بیان نمودیم. به طور کلی از بُعد اقتصادی شرط نخست جهانی شدن تضعیف حاکمیت دولت‌ها به نفع افزایش قدرت سازمان‌های اقتصادی جهانی است. نهادهای

بین‌المللی از جمله «صندوق بین‌المللی پول»، «بانک جهانی» و بخصوص سازمان تجارت جهانی دولت‌ها را وامی‌دارند که با محدود کردن حاکمیت خود موانع تجارت جهانی و رقابت اقتصادی آزاد را از میان بردارند و قوانین اقتصادی، بویژه قوانین مربوط به ورود و خروج کالاهای خود را با شرایط این نهادها تطبیق دهند. ایران نیز مانند همه کشورهای جهانی خواه ناخواه در جریان امواج اجتناب‌ناپذیر طوفان جهانی شدن قرار دارد و باید تصمیم بگیرد. در این خصوص به برخی از ویژگی‌های اقتصاد ایران اشاره کردیم و گفتیم که شرایط و معیارهای اقتصادی مورد نظر سازمان جهانی در ایران فعلاً وجود ندارد. ناچیز بودن سرمایه‌گذاری خارجی و مشکلات سر راه جذب آنها، سهم اندک ایران در تجارت جهانی، اقتصاد دولتی و یارانه‌ای، رشد زیاد جمعیت و نرخ بیکاری بالا و ... را به عنوان موانع اصلی ایران برای ورود به اقتصاد جهانی برشمردیم. با وجود این شرایط و ویژگی‌ها در اقتصاد ایران، برای پیوستن به جامعه جهانی مزایا و زیان‌هایی را اشاره نمودیم. ایران در سال ۱۹۹۳ در سنگاپور رسماً درخواست عضویت سازمان تجارت جهانی را کرده و بارها هم این امر را به صورت رسمی پیگیری نموده است. ولی با این همه به نظر نمی‌رسد که اراده ملی این تصمیم را حمایت کند. بخصوص اینکه مخالفان ذی نفوذ زیادی هم ورود به جامعه جهانی در ایران دارد. در هر صورت ایران باید تصمیم بگیرد که:

- با کناره‌گیری از جامعه جهانی خود را مقابل جهان قرار بدهد و تبعات ناشی از تحریم، اعمال تعرفه‌ها و ... را بپذیرد و منزوی شود.
- با حذف سوبسیدها و آزادسازی اقتصادی و پیوستن به جامعه جهانی خود را در مقابل مردم قرار بدهد.
- با بهره‌گیری از فرصت‌ها و استفاده از ظرفیت‌ها و با انتخاب راه صحیح در قالب برنامه‌های مدون و با آگاه کردن مردم این مسیر را هموار نماید و به جامعه جهانی

ببینند. برای این کار باید راه کارهای مناسب انتخاب کند و در چارچوب قانون اساسی

۱. به تنش زدایی ادامه دهد.

۲. با کشورهای همسایه و خصوصاً کشورهای بزرگ اسلامی تحکیم روابط کند.

۳. منطقه گرایی و بویژه توجه به اوپک، اکو و سازمان کنفرانس اسلامی را تقویت کند.

۴. با بهره گیری و شناسایی و افزایش مزیت های نسبی، بازسازی صنعتی و افزایش کارایی و توان رقابت بنگاه ها را در دستور کار خود قرار دهد.

۵. با اصلاح و بهبود سیستم آماری کشور، یارانه ها را هدفمند نموده و پرداخت یارانه های مستقیم را جایگزین یارانه های غیرمستقیم نماید.

۶. با ایجاد امنیت داخلی و خارجی زمینه های لازم را برای جذب سرمایه و فناوری خارجی فراهم کند.

۷. با کشورهای غیر متخاصم، مثل اتحادیه اروپایی، سازمانهای جهانی و کشورهای مؤثر در شورای امنیت به تعامل و گفتگو بپردازد.

منابع

ادیب، محمدحسین. فرصت ها و تهدیدهای اقتصاد ایران، سخنرانی در خانه مدیران سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سال ۱۳۷۹ به آدرس: www.imi-ir.org/tadbir/tadbir-110/reports-110/3.asp

اکبریان، رضا، جهانی شدن و ویژگی های سیاسی و اقتصادی آن، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۶-۱۹۵، ۱۳۸۲.

بلادی موسوی، صدرالدین، برآورد جمعیت و خانوار استان های کشور ۸۴-۱۳۷۰، کتابخانه مرکز آمار ایران، تهران ۱۳۸۰.

توسلی نائینی، منوچهر، تأثیرات جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۸-۱۳۸۲، ۱۹۷.

جاویدی، شهباز، جهانی شدن و مرگ زبان ها، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۳-

۱۳۸۲، ۱۹۴

خردمند، از مسئولین ارشد سازمان مدیریت و برنامه ریزی، هدفمند کردن یارانه ها در برنامه چهارم توسعه، مصاحبه تلویزیونی شبکه خبر، مرداد ماه ۱۳۸۳.

سرافراز، لیلا، اصلاحات اقتصادی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم شماره ۱۹۴-۱۳۸۲، ۱۹۳.

سیف، احمد، جهانی کردن واپسین مرحله امپریالیسم، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۴-۱۹۳، ۱۳۸۲.

سیم بر، فرشید، علل جذب نشدن سرمایه های خارجی و ناتوانی های موجود در جلوگیری از فرار سرمایه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۳-۱۹۴، ۱۳۸۲.

شریعتمداری، محمد(وزیر بازرگانی)، روزنامه عصر اقتصاد، سی ام مهر ۱۳۸۰.

عزیزی، خسرو، نگاهی درباره عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۸-۱۹۷، ۱۳۸۲.

غریب آبادی، کاظم، علی آبادی، مهدی، جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۴-۱۹۳، ۱۳۸۲.

فصیحی، حبیب ا...، معیارهایی در سنجش جهانی شدن، نگاهی به ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۴-۱۹۳، ۱۳۸۲.

کازرونی، علیرضا، نقش سرمایه گذاری مستقیم خاری در جهانی شدن اقتصاد، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۶-۱۹۵، ۱۳۸۲.

کازرونی، علیرضا، نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در نوسازی بخش صنعتی ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۴-۱۹۳، ۱۳۸۲.

ماهنامه اقتصادی و مالی بین المللی اقتصاد ایران سال دوم شماره دوازدهم، دی ماه ۱۳۷۸.

United nations. Statistical yearbook forty-seventh issue 2003

United nations. Statistical yearbook forty-sixth issue 2001

United nations. Statistical yearbook forty-fifth issue 2000





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی